



۲۰۱۳/۱۱/۱۱



میر عبدالواحد سادات

## احقاق حقوق مردم و یا اتلاف آن؟

بخش سوم

تذکر: بعد از نشر بخش اول و دوم این نبشته، تعدادی زیادی از هموطنان با ارسال ایمیل و تماس تلفونی ذره نوازی فرموده و این کمترین را مورد تفقد قرار داده و با اظهار نظریات تکمیلی، انتقادی و پیشنهادات سازنده مرا راهنمایی نموده اند که از تمام آنان اظهار سپاس و منتظر نظر، نقد و تکمله بیشتر آنها میباشم.

بخش اول و دوم این نوشته را اگر مطالعه نکرده باشید می توانید با انتقال لینک های انترنتی ذیل در براوزر کمپیوتر تان مطالعه فرمائید:

بخش اول

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/sadat\\_mir\\_ab\\_wa\\_ehqag\\_hoquq\\_mardaom\\_ya\\_etlaf\\_an.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/sadat_mir_ab_wa_ehqag_hoquq_mardaom_ya_etlaf_an.pdf)

بخش دوم

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/sadat\\_mir\\_ab\\_wa\\_ehqag\\_hoquq\\_mardaom\\_ya\\_etlaf\\_an\\_part\\_2.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/sadat_mir_ab_wa_ehqag_hoquq_mardaom_ya_etlaf_an_part_2.pdf)

### بُعدحقوقی مسائل:

البته در بعد حقوقی، مسائل به گونه دیگری ارزیابی می شوند و ملاک عمل پرنسیپ های قبول شده جهانی «مشروعیت جرم و جزا» است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های ناشی از آن تسجیل گردیده و در قانون اساسی و قانون جزای افغانستان بازتاب یافته است که در صفحات بعدی روی آن مکث می نمایم.

شیوه بر خورد با مسایل: در مورد دو تجربه در عرصه ملی و بین المللی وجود دارد:

۱- عفو و مصالحه.

۲- محاکمه و تطبیق عدالت.

در چند دهه اخیر مورد بحث ما، هر دو شیوه در افغانستان تجربه گردیده است. طی سالهای (۱۹۸۰-۱۹۹۲) بارها فرامین عفو از طرف دولت در لویه جرگه ها صادر گردید، با اعلام مشی مصالحه ملی مکانیزم وسیعتر در رابطه به عفو و مصالحه در سطح ملی و بین المللی مطرح گردید. در همان دوره، موسسه ملل متحد دستیابی به مصالحه و عدم انتقام گیری و گذار از خشونت در پروسه دستیابی به حل و فصل مسایل و مصایب افغانستان را مطرح ساخت و شورای امنیت از طریق سرمنشی و نماینده خاص آن مؤسسه، بخاطر تحقق آن کار می نمود. باوجودی که پلان پنج فقره ئی سازمان ملل متحد به ناکامی مواجه گردید، اما در آخرین روزها (هفته اول اپریل ۱۹۹۲) بازم اهداف فوق بخاطر جلوگیری از خونریزی، از طرف مؤسسه ملل متحد در پاکستان و افغانستان دنبال می گردید که در احوال بعد از دولت مجاهدین، در اعلام عفو عمومی دولت اسلامی (صبغت الله مجددی) بازتاب یافت و گویا صفحه جدیدی در برابر نیروهای متحارب و متخاصم و مجموع ملت گشوده شد. درین رابطه اسناد زیادی وجود دارد، منجمله فلیپ کاروین کارمند امریکائی مؤسسه ملل متحد در کابل، به این موضوع در کتاب خویش بنام «سرنوشت غم انگیز افغانستان» نیز ضمناً اشاره ای کرده است.

در سال ۲۰۰۷ پارلمان افغانستان "منشور مصالحه و آشتی" را به تصویب رسانید و بر اساس آن تمام متهمان به نقض حقوق بشر و جنایات جنگی مورد عفو قرار گرفتند. (در همان زمان این قلم، منشور متذکره را طی یک مقاله ای نقد و بررسی نموده است). بعد از کنفرانس بن اول (طی دوازده سال اخیر) رئیس جمهور کرسی بارها فرامین عفو را در رابطه با مخالفین مسلح طالبان صادر نموده و در پروسه صلح و مصالحه جاری تعداد زیادی از افراد بلند پایه طالبان از زندان های امریکا در افغانستان و گوانتانامو آزاد و در کشورهای خلیج، ترکیه و کابل صاحب آرگاه و بارگاه گردیده اند.

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دولت موجود همچنان «برنامه عمل دولت برای صلح، مصالحه و عدالت» را طرح و در ماه جون سال ۲۰۰۵ یکجا با موسسه ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر برنامه «صلح، مصالحه و عدالت انتقالی» را مطرح نموده اند که اذعان به درد و رنج به خاطر آشتی و تفاهم، عفو، مستند سازی و عدالت انتقالی مشمول آن می باشد.

### اجلاس بن، دولت انتقالی و پروسه عدالت انتقالی:

با اجلاس بن و ایجاد دولت مؤقت سر و صدا در مورد «عدالت انتقالی»، بالا گرفت. از همان تاریخ تا اکنون این موضوع در هاله ای از ابهام به پیش برده می شود و متأسفانه بسیار مغشوش، متناقض، لحظه یی و ابزاری بوده است. دولت و حامیان امریکایی و متحدین آن آگاهانه به همین منوال مهندسی نموده اند. **خشت اول در اجلاس بن اول کج نهاده شد**، زیرا آنانی را که ناقضان حقوق بشر می گفتند، شریک راه خود ساخته و دولت مؤقت را در وجود آنان ایجاد کردند، و هم زمان سر و صدای تفنگ سالاران، ناقضان حقوق بشر، جنگسالاران و ... را نیز براه انداختند. اکنون که دوازده سال از آن اجلاس می گذرد؛ ما به چشم سر مشاهده می نمائیم که **آنانی که ناقضین حقوق بشر و جنایتکاران جنگی خوانده می شدند، به مثابه شرکای اصلی قدرت، امروز به میلیاردر ها مبدل گردیده و سرنوشت غم انگیز مردم افغانستان را رقم میزنند.**

نتیجه گیری واقعبینانه دوازده سال اخیر اینست که دولت و حامیان امریکایی آن در طرح مسئله حقوق بشر و ناقضان آن صادق نبوده و ازین مسایل بحیث ابزار سیاسی و اوپراتیفی سود برده اند. "سریال ناقضان حقوق بشر و جنایت کاران جنگی" به «شمشیر داموکلس» به دست دولت و حامیان آن تبدیل گردیده است و هرکسی که قاعده بازی را نقض نماید؛ این شمشیر بر سرش آویزان می گردد و در غیر آن عزیز، مقرب و مقبول ارگ، امریکا و متحدان آن می باشد. (در گیر و دار همین بازی ها، میرویس پسر جوان اسمعیل خان قربانی گردید). این درامه طی این دوازده سال که همزمان با دامن زدن به مسایل قومی و سمتی و بازی های کثیف استخباراتی به پیش برده شده است، یکی از عوامل بی ثباتی و عدم دستیابی به صلح در افغانستان محسوب می گردد. (بسیار غیر موجه نبوده است که کار شناسان در مناظرات تلویزیونی، دولت موجود را شرکت سهامی مافیایی، جهادی طالبانی لقب داده اند.) درین ارتباط برعلاوه عامل داخلی ضرور است تا به عامل بیرونی و بخصوص نقش امریکا درین رابطه مکت نمائیم.

### امریکا حامی حقوق بشر و یا ناقض آن:

امریکا همیشه و بخصوص از زمان جیمی کارتر که حقوق بشر به حیث اساس دوکتورین سیاست خارجی آن کشور تعریف گردیده است، تا کنون خود را ضامن و سکاندار حقوق بشر در جهان قلمداد می نماید. اما متأسفانه حقایق تأریخی نشان میدهد که آن کشور از همان ابتدا تا کنون از اعلامیه جهانی حقوق بشر به حیث "پیراهن پرخون حضرت عثمان" سوء استفاده سیاسی و ابزاری نموده است. در زمان جنگ سرد از حقوق بشر در شکست رقیب اساسی آن (اتحاد شوروی و متحدان آن) بهره برداری گردید و در دو دهه اخیر این موضوع در خدمت اهداف سیطره جویانه و مداخله گرانه آن قرار دارد. اکنون دیگر این مساله نیاز به ارائه دلایل زیادی ندارد که هر وقت و در هر جایی که منافع امریکا ایجاب نماید، چهره اصلی خود را در زیر نقاب حقوق بشر می پوشاند. اما تجربه خونبار افغانستان، عراق، سوریه و ... نشان می دهد که امریکا ناقض قدرتمند حقوق بشر بوده و به مثابه جنگسالار جهانی و زور گو که بزرگترین ماشین نظامی دنیا را در اختیار دارد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های ناشی از آنرا زیر پا می کند. (بی جهت نبوده است که بوش کوچک، به حیث سردسته جنگسالاران و ناقضان حقوق بشر در جهان شناخته شده و دو سال قبل مدافعان حقوق بشر از دولت کانادا مطالبه کردند تا هنگام سفر به آن کشور موصوف را بازداشت نماید.) امریکا زیر نام مبارزه با تروریسم سیاه ترین صفحات نقض حقوق بشر را به وجود آورده است. برعلاوه زندان معروف گوانتانامو و یا بقول (گوئتر گراس) نویسنده معروف آلمانی گولاک، امریکا زندان هایی در افغانستان، عراق، رومانی، پولیند، لیتوانیا توسط سی. آی. ای ایجاد گردیده که در تمامی آن از حقوق بشر و معیار های حقوقی آن خبری و اثری وجود ندارد و نیاز به توضیح بیشتر نیست زیرا به گفته معروف از کفر ابلیس معروفتر اند.

رئیس فیلد وزیر دفاع قبلی امریکا، در آلمان و فرانسه از طرف مراجع عدلی این کشور ها به حیث ناقض حقوق بشر و جنایتکار جنگی، رسماً متهم می باشد. (مدارک جرمی نامبرده توسط فدراسیون های بین المللی مدافع حقوق بشر ارائه گردیده است.) زمانی که در سال ۲۰۰۳ مقامات عدلی کشور بلجیم می خواست علیه چند جنرال بلند پایه

امریکا به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایات جنگی، اعلام جرم نماید، وزیر دفاع وقت (رامز فیلد) تهدید کرد که مقر ناتو را به جای دیگری انتقال خواهد داد. در اواخر سال ۲۰۰۱ زمانی که ژورنالیستان از رامز فیلد چگونگی برخورد با اسیران طالبان را سؤال کردند، بدون رعایت نزاکت های رسمی در نقش یک فاتح مغرور و جنگسالار شریک گفت: آنان باید کشته شوند.

کشتار اهالی ملکی در وطن ما که به قول یوتومانها در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۲۷۷۷ تن رسیده است و ده ها مورد دیگر، عواملی اند که حتی رئیس جمهور کرزی می خواهد ماهرانه ازین جرایم فاصله بگیرد، چنانچه در هفته قبلی گفت: «ناتو در افغانستان رنج و درد و کشتار به بار آورده است، و در رابطه با امنیت و مبارزه با تروریسم دست آوردی نداشته است.

### انجونی گردیدن این مسئله:

مسئله حقوق بشر و ناقضان آن در افغانستان بسیار انجونی گردیده و به حیث دام روزی مبدل گردیده است. اسناد و سوابق نشان می دهد که حتی مسئولین کمیسیون حقوق بشر از لحاظ سیاسی و وابستگی به نیروهای درگیر جنگ های تبه کن کابل، بی طرف نبوده اند. اکنون وقت آن رسیده است که اول خود آنان باید حساب خود را تصفیه و گزارش مالی و اجرائت شان را برای مردم ارائه نمایند.

نیویارک تایمز یک سال قبل گزارشی را منتشر ساخته که کمیسیون حقوق بشر افغانستان کتاب قطور ۸۰۰ صفحه ای را تهیه نموده است که فهرست چند صد تن از متهمان به نقض حقوق بشر در آن وجود دارد. اما کمیسیون بنا بر عدم استقلال و رابطه کجدار و مریز و زد و بند با متهمان از نشر آن طرفه می رود.

### اجتناب از سیاسی ساختن مسئله :

سیاسی ساختن حقوق بشر و ناقضان آن باعث گردیده که از یکطرف نیروهای سیاسی مخالف، ازین موضوع جهت کوبیدن رقبای خود استفاده نمایند و از جانب دیگر برحسب لزوم دید سیاست حاکم، با قضایا برخورد معامله گرانه صورت گیرد. اینگونه سیاسی ساختن مسئله، باعث کتمان حقایق گردیده و در نتیجه عاملان اصلی در بسیاری موارد ناشناخته باقی میمانند. یکی - دو سال قبل گورهای دسته جمعی از دشت های چمنله کشف گردید که شاهدان عینی در مصاحبه های تلویزیونی آنها مربوط دوره «کمونیستی» تبلیغ مینمایند. وزارت معارف تدریس تاریخ جنگهای سالهای نود را از پروگرام درسی بیرون ساخته است، این بدان معنی است که وزیر بعدی باید به دلخواه خود، تاریخ مربوط به حزب، تنظیم و حرکت خویش را ممنوع اعلان نماید.

### اجتناب از برخورد سلیقه بی:

در صورتی که مسئله شهدا یک مسئله ملی است و موضوع حقوق بشر و نقض آن به تمام مردم تعلق دارد بناءً ضرور نخواهد بود تا ازین موضوع به نفع سلیقه شخصی و یا حزبی خود استفاده سوء نمود؛ در غیر هر شخص و گروهی رقیب خود را آن به حساب ذوق و سلیقه و یا به شکل اوپراتیفی، کافر و مجرم و خود راموسیچه بیگناه قلمداد نماید؛ لذا دوغ هیچکس ترش نمیباشد. این موضوع بخاطری حایز اهمیت زیاد است که در دوده بعد از جنگ سرد، کماکان رسوبات آن جنگ ذهن و روان مارا گروگان گرفته است.

ما مربوط به کشوری هستیم که موزائیک اقوام، قبایل و زبانهاست، و افزون برآن در این نیم قرن اخیر، ده ها "قوم و قبیله سیاسی" درآن افزود گردیده است، و چنانچه در صفحات قبل خاطر نشان گردید، این هفتمین دولت و رژیم سیاسی در همین مدت سرنوشت مردم را رقم میزنند و در مجموع تمام آنان «یزید» و «حسین» خود را دارند. بنابراین اگر واقع عدالت می خواهیم و هدف داریم تا ناقضان شناسائی و محاکمه شوند، باید بدور از احساسات و ذوق و سلیقه شخصی، گروهی، قومی، قبیله و حزبی و تنظیمی و سیاسی، مسائل را به حیث داعیه ملی، به خاطر مردم و ملت مطرح نماییم. مردم و ملتی که این همه زجر و ظلم را متحمل گردیده اکنون حق دارند پرسند:

- - کدام انقلاب؟
- - کدام جهاد؟
- - کدام شریعت؟
- - کدام دیموکراسی؟

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

درین ارتباط ضرور است تا در ارائه مسایل، حد فاصل بین اشتباهات سیاسی و جنایات رعایت گردد و از برخوردهای سیاه و سفید و مطلق گرائی فاصله بگیریم و از رد کامل و تأیید کامل در قضاوت، خود داری کنیم. چه کسی میتواند ادعا نماید که حتی در همین دولت فاسد کنونی اشخاص صادق وجود ندارد؟

### گذشته گرائی یکجانبه:

گذشته گرائی یکجانبه و چسبیدن به گذشته ها، بدون آنکه هدف ما خدمت بحال و آینده باشد، فقط و فقط ریختن آب به آسیاب دشمنان وطن میباشد و در عمل به مفهوم آنست که ناقضان حقوق بشر همیشه بر سرنوشت مردم حاکم باشند:

### تا تو از بغداد بیرق آوری در کلاته کشت نگذارد کلاغ

ما در بیرون از کشور همه روزه مرده ها را از گور بیرون بکشیم و همدیگر را دشنام بدهیم ... و افغانستان این قلب مشترک و مادر وطن در معرض:

■ - تجاوز و جنگ اعلان ناشده پاکستان  
■ - دسایس ایران

■ - سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس قرار داشته و با تداوم دولت فساد و سونامی بنیاد گرائی، به نابودی کشانیده شود.

اگر حقوق بشر و موضوع ناقضان آن به همین منوال، حربه تبلیغاتی و ابزار کوبیدن رقبای سیاسی ما باشد، به یقین میتوان گفت که: ما بهترین خدمت گذاران به ناقضان حقوق بشر، جنایت کاران جنگی، غاصبان زمین، چپاولگران و خفاشان حاکم بر سرنوشت ملت به عذاب نشستۀ افغانستان میباشیم. بدین رو باید موضوع ناقضان حقوق بشر و جنایتکاران جنگی، صادقانه و به ترتیبی مطرح گردد که باعث احقاق حقوق مردم گردیده و در خدمت حال و آینده وطن قرار بگیرد.

### صلح، امنیت و ثبات و پیوند آن با این مسئله:

بسیار ضرور است تا حقوق بشر و موضوع ناقضان آن، جنایت کاران جنگی و پیوند آن با مسئله صلح و امنیت و ثبات دایمی در افغانستان مورد پیگیری قرار گیرد. از بحث های متخصصان از مثلث: دیموکراسی، انکشاف و حقوق بشر صحبت میشود. اما با تجارب بدست آمده، نمی توان به این مثلث اکتفا کرد؛ باید مجموع عوامل طراز بندی، تفکیک و در پیوند منطقی و عملی باهم از سر تعریف گردند. با سردرگمی همان بحث های بی نتیجه تقدم و تأخر تخم و مرغ، شاید سالهای طولانی، روشنفکران بیرون از افغانستان را مصروف نماید.

اراده سیاسی و ارتباط آن با این مسئله (political will of states):

این اراده باید در سطح ملی و بین المللی وجود داشته باشد. (نمیتوان تنها با کار چند روشنفکر در بیرون از کشور، مسئله ناقضان حقوق بشر حل گردد.) در سطح ملی:

- - موجودیت تعهد رسمی سیاسی
- - قدرت سیاسی ( دولت مشروع ملی مبتنی بر حاکمیت قانون)
- - قوه قضائیه مستقل، بی طرف و با اقتدار

در عرصه بین المللی اراده سیاسی امریکا و متحدان آن، دولت روسیه، همسایه ها (پاکستان و ایران)، دولت های درگیر همانند سعودی و... و همچنان تبارز اراده و تصمیم موسسه ملل متحد که وابسته به عوامل متذکره میباشد.

تجربه نشان میدهد که عامل ملی و بین المللی به نفع ناقضان حقوق بشر قرار دارد. **حقیقت تلخ اینست که بسیاری گروه های درگیر در پنجاه سال اخیر در خدمت جیوپولیتیک قدرت های منطقی و بین المللی قرار داشته و دارند؛ و عوامل منطقی و بین المللی کماکان نیروهای داخلی را در خدمت اهداف ملی خویش قرار میدهند.**

ادامه دارد

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ